

چگونگی

بازتاب مسأله فلسطین

در ادبیات کودک

دکتر رقیه فاضل

پژوهشگر تربیت اسلامی و هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان





## چگونگی بازتاب مسأله فلسطین در ادبیات کودک

کاری از:

خانه هم‌بازی، واحد خانواده دفتر مطالعات جبهه فرهنگی

انقلاب اسلامی

گفتار: رقیه فاضل

مدیر تولید: نرگس کاهانی، حمیده حسینی

تنظیم متن: مجمع اسلامی حبل الله

طراح گرافیک: ابراهیم وکیلی گندمانی

انتشار: پاییز ۱۴۰۲، عملیات طوفان الاقصی



## فهرست

- پیش درآمد ..... ۷
- مقدمه ..... ۹
- چرا باید درمورد فلسطین با کودک صحبت کرد؟ ..... ۱۱
۱. جهان وطنی ..... ۱۱
۲. همه درگیر جنگیم ..... ۱۱
۳. آمادگی برای جنگهای آینده ..... ۱۲
- جنگ ها از کجا آغاز می شوند؟ ..... ۱۳
- چگونه جنگ تمام می شود؟ ..... ۱۴
۱. اصلت صلح: ..... ۴۱
۲. اصلت عدالت: ..... ۴۱
- به کودک چه بگوییم؟ ..... ۱۶
- دیدن زیبایی ها در کنار مظلومیت و سختی ها ..... ۱۶
- إِنَّ مع العسر يسرا ..... ۱۶
- روایت مظلومیت، ذیل روایت حماسه ..... ۱۷
- امید را چگونه می توان ایجاد کرد؟ ..... ۱۸
- برانگیختن کودک به کمک و حمایت ..... ۱۹

- ۱۹.....تلاش مایهٔ خودآگاهی به سرمایه‌ها و امیدآفرین است.
- ۲۰.....آشنایی با قهرمان‌ها.
- ۲۰.....آشنایی با شهادت و عالم غیب.
- ۲۱.....سواد رسانه و هوشیاری در موقعیت‌ها.
- ۲۱.....منصف، پیروز است.
- ۲۲.....ضرورت نگاه تاریخی.



## پیش‌درآمد

جنايات جنگی اسرائیل و فجایع انسانی که در غزه رقم زده است، اتفاقاتی دلخراش و عمیقاً دردناک است. خانه همبازی تصمیم گرفت تا نقش و وظیفه‌ی خود را نسبت به این مسأله در ادبیات داستانی کودک پیدا کند تا مسئولیتش را به عهده بگیرد. لذا یکی از جلسات تربیتی انجمن ادبی باغچه را به موضوع مهم فلسطین اختصاص داد.

در این جلسه که چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ در حسینیه هنر مشهد برپا بود، خانم دکتر فاضل به سرفصل‌های زیر پرداختند:

- چرا باید با کودک در مورد فلسطین گفتگو کرد؟

- جنگ‌ها از کجا آغاز می‌شوند؟

- چگونه جنگ تمام می‌شود؟

- به کودک چه بگوییم؟

آنچه در پی می‌آید، خلاصه‌ای از نکات مطرح شده در این جلسه است که نویسندگان نوقلم مخاطب آن هستند. با این حال، چون نکات تربیتی مطرح شده است، مخاطب عمومی و مربیان نیز می‌توانند از آن استفاده کنند.







## مقدمه

این روزها، خیلی از خبرها، صفحات مجازی یا شبکه‌های تلویزیون به انتشار تصاویر و اخبار جنگ می‌پردازند. در این میان، اگر با خردسال یا کودک و نوجوان سروکار داریم، طبیعتاً نگرانی‌هایی برای ما ایجاد خواهد شد. به‌طور مثال:

- آیا فرزندم می‌تواند این اخبار را بشنود یا این فیلم‌ها را ببیند؟
  - نکند از لحاظ روحی به هم بریزد؟
  - نکند نگران شود که او هم ممکن است مادرش را از دست بدهد؟
  - حالا ما به عنوان نویسنده و یا والد چه کاری باید انجام دهیم؟
- در رابطه‌ی «کودک» و «جنگ|مقاومت» طبیعتاً به دنبال نشان دادن تصویر یا رساندن خبر خام جنگ نیستیم. آنچه مهم است، انتقال مفاهیم مهم و ضروری برای تربیت است. اگر موقعیت‌های واقعی زندگی بستر تربیت هستند می‌توان به این فکر کرد که در بستر جنگ، چه شناخت‌ها و روحیاتی را می‌توان در کودک ایجاد کرد؟
- اما از سوی دیگر باید بدانیم که اگر کودکی داریم که می‌تواند گفتگو کند،

احتمالاً کم و بیش در جریان خبرهای جنگ قرار خواهد گرفت. پس نمی‌توان صرفاً گفت؛ نباید کودک بشنود و ببیند بلکه باید آماده بود که اگر کودکمان در جریان خبرهای دلخراش جنگ قرار گرفت، غافلگیر نشویم. دل‌ها برای کودکانی بسوزد که کسی به آسیب‌های روحی‌شان فکر نکرد و نه در جریان خبر جنگ، بلکه در میدان جنگ و بمباران قرار گرفتند.

باید بدانیم چه بستر تربیتی‌ای در اختیار داریم برای یک تربیت حماسی. از همه مهم‌تر بدانیم چنانچه در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم، خدا جبران‌کننده‌ی استخوان‌های شکسته است. رحم‌کننده‌ی پیرمرد‌ها و پیرزن‌هاست. همان‌طور که رازق کودکان صغیر است. ما نهایتاً مربی هستیم، خدا رب ماست.... این تازه شروع ماجراست.



## چرا باید درمورد فلسطین با کودک صحبت کرد؟

به سه دلیل مسأله‌ی فلسطین، مسأله‌ی کودک ما نیز می‌تواند باشد:

### ۱. جهان‌وطنی

آیا اگر جنگی در محله‌ی قاسم‌آباد مشهد در جریان باشد، می‌توانیم بگوییم به محله‌ی جنت ربطی ندارد؟ اگر در استان خوزستان جنگ باشد، می‌توانیم بگوییم به استان ما ربطی ندارد؟ در نگاه تربیتی، درک ما از گستره‌ی مسائل، هویت ما را معین می‌کند. انسان‌های بزرگوار و بزرگ، ادراک و احساس‌شان از جهان در جغرافیا محدود نمی‌شود. ما در تربیت، به دنبال بزرگ شدن هستیم. نگاه جهان‌وطنی، یک نگاه تربیتی است. امیرالمؤمنین علیه السلام کسی هستند که در نامه به عثمان بن حنیف می‌فرمایند چگونه سیر بخوابم درحالی که در اطرافم، در حجاز یا یمامه شکم‌هایی گرسنه باشند؟ این اندیشه، دارای یک پشتیبان عمیق انسان‌شناسانه است که ریشه در وحدت نوع انسان دارد. انسانها چنانکه امیرالمؤمنین خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند، یا در دین و ایمان با هم برادرند یا حداقل در نوع انسانی، هم نوع ما هستند و نمیتوان بی‌تفاوت بود نسبت به انسان.

### ۲. همه درگیر جنگیم

باید دانست جنگ و تجاوز چهره‌های مختلفی دارد و صرفاً در صورت نظامی آن بروز نمی‌کند. ما همین الان که در فاصله‌ی زیادی از فلسطین به سر می‌بریم، کودکانی داریم که زیر بار جنگ اقتصادی و تحریم دارویی زندگی‌شان به خطر افتاده است. در همین زندگی کنونی نیز کودک گاهی با وقایعی مواجه می‌شود که باید به فهم دقیقی از حق و ناحق برسد تا ظلم





نکند و ظلم نپذیرد. باید مراقب وسایلش باشد تا کسی به زور  
مدادش را از او نگیرد و در عین حال اهل بخشنده‌گی باشد. این  
یعنی کودک ما از مسأله جنگ اصلاً دور نیست.  
این سنت ابتلاست و ما مدام با آن درگیریم؛ از ابتلائی که  
انسانها برای یکدیگر درست میکنند تا ابتلائی طبیعی. آیه ۱۵۵  
سوره بقره میفرماید:

«وَلَتَنْبُلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ  
وَالْثَّمَرَاتِ»

### ۳. آمادگی برای جنگهای آینده

اگر دوستدار کودک هستیم، باید بدانیم کودک در بزرگسالی با  
جنگ‌هایی مواجه خواهد شد که اگر مقدمات ادراکی و عاطفی  
جنگ در کودکی به او نرسیده باشد، در این مواجهات جدی، با  
احساس ناتوانی، شکست و ناامیدی روبه‌رو خواهد شد. ما چه  
آماده باشیم و چه نباشیم، دشمنانی هستند که مترصد غفلت  
ما هستند:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ  
مَيْلَةً وَاحِدَةً.» (نساء: ۱۰۲)

## جنگ‌ها از کجا آغاز می‌شوند؟

پیش از گفتگو با کودک در مورد فلسطین باید دانست جنگ‌ها از کجا آغاز می‌شوند. این درک از نقطه‌ی شروع، هم برای مربی بزرگسال لازم است و هم برای انتقال پیام متناسب با کودک.

هر جنگی با «خودبرتربینی» آغاز می‌شود. برتر دانستن نژادی، طبقاتی، قومیتی، طایفه‌ای، ملیتی، جنسیتی، رنگ پوست یا هر برتربینی‌ای که فکرش را بکنید. خود برتربینی شیطان که خود را از آتش و انسان را از گل میبیند و میگوید:

«أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲)

ولذا خود را برتر میدانند و شروع به جنگیدن میکند، درسی است برای ما. در گام بعد، خود برتربینی به «برتری طلبی» می‌رسد. چرا که یک فرد یا دولت اگر فکر کند از دیگری برتر است؛ طبیعتاً معتقد خواهد بود لایق‌تر است و اگر نعمتی وجود دارد، بهتر است برای او باشد و او سزاوارتر از دیگران خواهد بود برای مالکیت نعمت‌ها. قرآن در آیه ۸۳ سوره بقره میفرماید:

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَاداً وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

یعنی سرای آخرت برای کسانی است که در دنیا اهل برتری طلبی نباشند. برتری طلبی به کهنتر پنداشتن و تحقیر کردن دیگران می‌انجامد که فرعون اینگونه بود:

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ» (زخرف: ۵۴)

این برتری طلبی، منجر به «تجاوز» خواهد شد. چرا که وقتی من به مالکیت سزاوارتر باشم، حمله خواهم کرد برای تصاحب آنچه نزد دیگران وجود دارد.



## چگونه جنگ تمام می‌شود؟

همه از جنگ متنفریم. اما چگونه این وجود منفور را باید تمام کرد و از بین برد؟ دو نظر وجود دارد:

### ۱. اصالت صلح:

برخی معتقدند برای پایان جنگ، باید صلح کرد. یعنی باید طرفین را به کوتاه آمدن توصیه کرد تا زودتر جنگ بخوابد. این رویکرد که قائل به اصالت صلح است، معتقد است به هر قیمتی باید طرفین راضی شوند به اتمام دعوا.

### ۲. اصالت عدالت:

نگاه دیگر، که قائل به اصالت عدالت است، معتقد است برای پایان دادن جنگ، باید علتش را نابود کرد. اگر تجاوز رخ داده، باید متجاوز محاکمه شود و حق مظلوم را از ظالم گرفت و عدالت را برقرار کرد. عدالت می‌تواند از جنگ پیشگیری کند. چرا که ظالم می‌داند نهایتاً باید حق مظلوم را پس بدهد، غرامت بدهد و تنبیه شود. این نگاه معتقد است اگر دو بچه هستند که هر کدام یک کلوچه دارند، یکی سریع کلوچه خودش را خورده و می‌خواهد کلوچه‌ی دیگری را بگیرد. زمانی که سر کلوچه دعوا می‌شود، نمی‌توان به کودک صاحب کلوچه گفت: چون صلح خوبست و دعوا بد، کوتاه بیا و کلوچه‌ات را نصف کن. اگر کودک اول به این مدل سیر شدن عادت کند، همیشه اهل دزدی و تجاوز خواهد شد.

در آیه ۹ سوره حجرات می‌خوانیم:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَامْلِكُوا لِيَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّىٰ تَفِيَّ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»



یعنی اگر دو گروه از مومنان با هم به جنگ پرداختند، سعی کنید بین آنها صلح برقرار کنید، اما اگر گروهی اصرار بر تجاوز داشت، نمیگوید کوتاه بیایید برای صلح، بلکه تاکید دارد که عدل و قسط را برقرار کنید.

نگاه اصالت صلح می‌گوید اگر اسرائیل به فلسطین حمله کرد و فلسطینی‌ها مقاومت کردند، باید برای خوابیدن هر چه زودتر جنگ، اراضی را نصف کرد. اما نمی‌داند این دعوت به صلح وقتی اصالت را به صلح می‌دهد صلحی ناپایدار خواهد بود؛ چرا که اسرائیلی‌ها پس از تملک نصف سرزمین، کمی نفس می‌گیرند و دوباره برای نصف باقی مانده، عزم جنگ می‌کنند و می‌دانند که با آن زمین باقی مانده را می‌گیرند یا باز طرفداران اصالت صلح، پا به میدان می‌گذارند و برای خوابیدن جنگ آن را نصف می‌کنند. پس بالاخره در این بازی، اسرائیلی‌ها همیشه برنده خواهند بود. نگاهی که هیچگاه بازدارنده جنگ نخواهد بود؛ در واقع صلحی است که دعوت به جنگ می‌کند. آیات قصاص از همین منظر تاکید دارد که قصاص مایه حیات بیشتر خواهد بود:

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۷۹)

چرا که قصاص مایه‌ی ادراک متجاوز از موقعیت میشود و امکان دست زدن به کار بد را کمتر خواهد کرد در جامعه. در نگاه اصالت عدالت، مقاومت مظلوم و دفاع از خود، نه تنها حق مظلوم است، بلکه تکلیف اوست، چرا که با این کار، جلوی جنگ‌های آینده را می‌گیرد.



## به کودک چه بگوییم؟

در روایت مسأله‌ی فلسطین برای کودک، هم اهداف شناختی داریم، هم عاطفی و هم رفتاری:

۱. در **اهداف شناختی**، علل آغاز جنگ و مبانی مشروعیت دفاع را باید بتوان به زبان کودک گفت.
۲. در **اهداف عاطفی**، به دنبال ایجاد حس حماسه و امید در کنار حس همدردی با مظلوم هستیم.
۳. در **اهداف رفتاری**، بهترین سطح یادگیری آن است که کودک ما تصمیم بگیرد که او هم باید کاری بکند. برای این مورد، باید طرحی برای اجرا داشته باشد.

## دیدن زیبایی‌ها در کنار مظلومیت و سختی‌ها

یک مسأله‌ی مهم، دیدن زیبایی‌ها در کنار مظلومیت و سختی‌هاست؛ و این نگاه مخصوص کودکان نیست. اصولاً وقتی فقط سختی‌ها را می‌بینیم، عزم حرکت و تغییر از ما سلب می‌شود. برای اصلاح و تغییر، احتیاج داریم به توانمندی. ریشه‌ی این توانمندی همان داشته‌های ماست. پس برای مقاومت و پیروزی، نیاز داریم نعمت‌ها و داشته‌ها را ببینیم تا بتوانیم روی آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. ما رأیت الاجمیل. روایت جنگ، اگر زینب‌گونه باشد، باید کودک زیبایی‌ها را در جنگ ببیند تا بفهمد که تلاش برای رسیدن به یک جهان عادلانه و زیبا، خودش زیباست.

## إِنَّ مع العسر يسرا

همچنین کودک ما باید بداند:

«إِنَّ مع العسر يسرا» (شرح: ۶)

مطمئناً همراه با هر سختی آسانی است.

به‌دست آوردن این نگاه، محتاج تمرین است و کودک هم باید تمرین کند. خلاقیت‌هایی که در جنگ و سختی بروز می‌کند، اصولاً در این مدل نگاه است. نگاه شاکرانه را «دعای جوشن صغیر» در میانه‌ی جنگ به ما





می‌آموزد که وسط سختی‌ها، دیدن نعمت‌ها است که می‌تواند مثل زره عمل کند: «خدایا چه بسیار بنده‌ای که به شامگاهان و صبحگاهان درآمد ترسان و هراسان، پریشان و اندیشناک، فراری و رانده شده، خرابه‌نشین در تنگنا و مخفیگاهی از مخفیگاه‌ها که زمین با فراخی‌اش بر او تنگ شد. چاره و راه نجات و پناهگاهی نمی‌یابد، و من از همه این‌ها در امنیت، آرامش و سلامت کاملم.»

### روایت مظلومیت، ذیل روایت حماسه

مراقب باشیم صرفاً راوی مظلومیت نباشیم. روایت حماسه‌ها و پیروزی‌ها، برای کودک مهم است. در روایت مظلومیت، بسیار باید مراقبت کرد. اگر چه مطمئناً کودک در یک فضای قرنطینه نیست و خبرهای ناگوار را حتماً خواهد شنید. این نگاه زیبایی، می‌تواند از عواقب سخت شنیدن فجایع انسانی، پیشگیری کند. امیدواری برای مظلوم در جنگ، مثل آب حیات است. وقتی در قرآن در جنگ بدر می‌گوید دشمنان را در چشم مومنان کم جلوه دادیم تا امید بگیرند، یعنی ادراک ما از دشمن، اهمیت دارد و باید در ایجاد تصاویر ذهنی مراقبت کرد.



## امید را چگونه می‌توان ایجاد کرد؟

۴. در روایت مقاومت، باید طوری عمل کرد که کودک فکر نکند تنه‌است. او باید بداند در یک تیم که تیم خداست یعنی «حزب الله» دارد مقاومت می‌کند. این حس تیمی، بسیار مهم است. درک: «**إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**» (شعرا: ۶۲) اهمیت دارد.

۵. معنای پیروزی را باید دقیق کرد. ایجاد امید به پیروزی، نباید به دلداری‌های واهی و کوتاه مدت ختم شود. دیدن پیروزی در طول زمان و معنا کردن پیروزی در کاهش توان یا حس هیمنه‌ی دشمن، مهم است. یک موقعی:

«وَزَلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ» (بقره: ۲۱۴)  
چنین موقعیت‌هایی هم در طول تاریخ پیش آمده است.

۶. باید دانست که گاهی پیروزی یعنی اثر گذاشتن بر دیگر ظالم‌ها. در این صورت است که ظالم دست و پای خود را جمع می‌کند. گاهی هم بر دیگر مظلوم‌ها اثر می‌گذارد و دیگران را دلگرم می‌کند که می‌توانند ایستادگی کنند. این‌ها همه معنای پیروزی است که امیدواری ایجاد می‌کند.

۷. گاهی روایت مظلومیت جبهه حق، باعث میشود کودک یا نوجوان، فکر کند همیشه ما هستیم که سختی میکشیم و ضربه می‌خوریم. روایت این سنت که اگر داری کشتی میگیری و خسته شدی، مقاومت کن، فکر نکن حریف‌ت سر حال است. خب او هم خسته شده است. همین که بدانم دشمنم هم ضربه خورده، امیدواری ایجاد خواهد شد:

«**إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ**» (آل عمران: ۱۴۰)

۸. یک راه آسانش هم این است که از جنگ‌های دیگری که در آن مظلومین پیروز شده‌اند، روایت کنیم. منطقی‌ها می‌گویند «**أَدُلِّ دَلِيلًا عَلَى إِمْكَانِ الشَّيْءِ وَقَوْعُهُ**». پس تاریخ را جدی بگیریم.



## برانگیختن کودک به کمک و حمایت

یک نکته‌ی مهم در گفتگو با کودک درباره فلسطین، کمک و حمایت است. کودک اگر بیرون از فلسطین است، باید بداند می‌تواند کمک کند. دعا کند، کمک مالی کند، به دیگران بگوید که کمک و دعا کنند. می‌تواند با نقاشی کشیدن، نامه نوشتن و باز نشرش توسط بزرگترها، انگیزه و قوت قلب بدهد. این کارها کودک بیرونی را امیدوارتر خواهد کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ نَصْرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)

## تلاش مایه خودآگاهی به سرمایه‌ها و امیدآفرین است

فعالیت و تلاش، خودش مایه‌ی امیدواری است و زیبایی‌ها را بیشتر می‌کند. اینکه کودک چه کاری باید انجام دهد برای کمک، کاملاً به داشته‌های او برمی‌گردد؛ اگر نقاشی بلد است، اگر عیدی‌هایش را جمع کرده، اگر می‌تواند یک پیام بنویسد خطاب به کودک فلسطینی یا... جنگ، ما را به داشته‌هایمان مسلط می‌کند. خدا هم چیزی بیشتر از به میدان آوردن داشته‌ها و نعمت‌هایمان از ما نمی‌خواهد:

«لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق: ۷)

اگر کودک درون جنگ است و داخل فلسطین، می‌داند که روی هم تیمی‌های خدا هم می‌تواند حساب کند. تنها نیست و دیگران کمک می‌کنند:

«هُوَ الَّذِي آتَىٰكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲)

نصرت خدا و نصرت مؤمنین، از راه خواهد رسید. اگر چه در جنگ، آدم بدها با هم هم‌دست می‌شوند، اما کودک باید بداند که جنگ، آدم‌های خوب را بیشتر به هم پیوند می‌زند. چه در دل جنگ باشند و چه بیرون آن. ایثار کردن، همدردی و حس برادری و خواهری در جنگ، از نعمت‌هاست؛ البلاء للولاء.



چگونه

بازتاب مسأله فلسطین  
در ادبیات کودک

## آشنایی با قهرمان‌ها

آشنایی با قهرمان‌ها و کسانی که در جنگ توانسته‌اند کارهای موثری انجام بدهند از نکات مهمی است که کودک به آن احتیاج دارد و کودکان درگیر جنگ بسیار بیشتر. کودک در میانه جنگ نباید حس کند از من کاری بر نمی‌آید. آشنایی با سیر رشد قهرمان‌ها، اینکه قهرمان‌ها در کودکی، مثل او بوده‌اند، اینکه قهرمان‌ها هم سختی‌های زیادی کشیده‌اند و بزرگ شده‌اند، از ملزومات روایت فلسطین است.

البته فهم قهرمانی در اندیشه دینی، به افراد پر قدرت نیست، بلکه به قدرت بزرگ است. این یعنی چه؟ یعنی کودک باید بداند که نباید منتظر یک ابرقهرمان باشد. این مقاومت تک تک مردم است که می‌تواند یک قدرت بزرگ ایجاد کند. پس این‌گونه می‌تواند از توهم‌های انیمیشنی‌ها شود. اغلب ما فیلم تلقین شهادتین پسر بچه فلسطینی را به برادر کوچکترش دیده‌ایم. این یک کار هیجانی نیست. این فیلم، بسیاری از ادراکات ما از «کودک و مقاومت» را تغییر داد. نظریه‌های رشد در برابر این پسر بچه باید دست‌هایشان را بالا بگیرند. به نظرم همراه با ما، نظریه‌های تحول دین‌داری به زانو درآمدند. این معنا، خود به خود ما را به یک مسأله رهنمون می‌کند.



چگونگی  
بازتاب مسأله فلسطین  
در ادبیات کودک

۲۰

## آشنایی با شهادت و عالم غیب

آشنایی با مفهوم شهادت و عالم دیگر، از ملزومات روایت مقاومت و مسأله‌ی فلسطین است. البته درک شهادت خودش منوط به درک مرگ است. کتاب «خدا حافظ را کون پیر» مرگ و وجود عالمی دیگر پس از مرگ را تا حد خوبی برای کودک روایت می‌کند. حال ما باید برای شهادت این نکته را بگوییم که اینطور نیست که بقیه آدم‌ها زندگی جاوید دارند و آنکه شهید می‌شود، زندگی این دنیایش را از دست داده. بلکه مرگ، امری طبیعی است. اما آنکه شهید می‌شود، برده است.

قصه‌ی یخ فروشی که بالاخره یخش را از دست خواهد داد؛ یا می‌فروشد و در قبال یخ چیزی می‌گیرد، یا یخ را نمی‌فروشد و کم‌کم آب می‌شود

و از سرمایه‌اش را از دست خواهد داد. مرگ تاجران، برای فهم شهادت اهمیت دارد:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه: ۱۱۱)

## سواد رسانه و هوشیاری در موقعیت‌ها

از ملزومات روایت مسأله فلسطین و جنگ آن، رسانه و سواد رسانه است. کودک ما اگر کلاس پنجم یا ششمی باشد، مطمئناً حرف‌ها و تحلیل‌های دیگری را نیز خواهد شنید. اینکه پدر دوستش چنان گفته و یا دوست دیگری به نقل از بی‌بی‌سی گفته حماس یا ایران دروغ می‌گویند و... راهی نیست جز انتقال این نکته که همه‌ی رسانه‌ها اهل صداقت نیستند.

در کتاب شعر «محاکمه سنگ و پسرک شیرینی فروش»، قاضی به پسری که در حین کمک، پولش را دزدیده بودند می‌گوید: تو شهر ما، تو دنیا، نیستند یک جور آدم‌ها، نیکی کن و ز رنگ باش، دور از ریا و رنگ باش. در این وضعیت، سعی می‌کنیم کودک را با موقعیت‌اش آشنا کنیم. این مسأله، صرفاً درمورد رسانه نیست. کودک باید در همه‌ی موقعیت‌ها هوشیار باشد و بداند همه خیرخواه او نیستند. این نکته مهم است که در قبال هر خبری باید تحقیق کرد.

## منصف، پیروز است

انصاف داشتن بسیار مهم است. این ارزش را باید به کودک منتقل کرد که هر کسی منصف است، بالاخره پیروز می‌شود.

دختر بچه‌ی یکی از آشنایان دختر خاله‌اش را زده بود. او هم پاسخ‌اش را داده بود البته سنگین‌تر. از سر انصاف آمده بود به شکایت. گفت: خاله! فائزه، دوم، من را زد. این یعنی چه؟ یعنی اول من زدم، اما آرام زدم. فائزه در واکنش، من را زد، اما محکم زد. کودک فطرتاً این انصاف را دارد.



## ضرورت نگاه تاریخی

برای قضاوت هم باید تاریخی دید. نمی شود قسمتی از تاریخ را به نفع کسی روایت کنیم و باقی اش را نگوییم. در قضیه ی اخیر فلسطین، اگر قرار است به تاریخ رجوع کنیم، باید برگردیم عقب تر. به قبل از «اعلامیه ی بالفور». اگر قرار بر صداقت است، بسم الله. باید کودک را اهل مطالعه بار آورد و به او اطمینان داد که با مطالعه و حقیقت جویی می توان خبر درست را فهمید.

